

## جغرافیای جنایت

### شاخه جدید در دانش جغرافیا

تقریباً دو سال پیش اولین کتاب در زمینه جغرافیای جنایت به وسیله کیت هرریس استاد جغرافیا در دانشگاه ایالتی اوکلاهما منتشر شد. که در آن اصول و مبانی این شاخه جدید از دانش جغرافیا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بود<sup>۱</sup>. اما سابقه کار در جغرافیای جنایت به نیمه اول قرن ۱۹ برمی گردد که در سال ۱۸۳۳ گوری<sup>۲</sup>، در پنج ناحیه فرانسه به رابطه میان فقر، تراکم جمعیت و تعلیم و تربیت با انواع جرمها معتقد می شود. در سال ۱۹۳۵ نیز راسن<sup>۳</sup> با بررسی آمارهای قضائی انگلستان و ولز مطالعاتی را در زمینه جغرافیای جنایت بعمل می آورد. این محقق نواحی انگلستان و ولز را به حوزه های

---

۱- Keith D. Harries. The Geography of Crime and Justice. McGraw-Hill. 1974

۲- A. Guerry .

۳- W. Rawson .

کشاورزی، کارخانه‌ای، معدنی و متروپلیتن تقسیم می‌کند و در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسد که تراکم جمعیت یکی از عوامل اصلی افزایش جرم و جنایت می‌باشد.

در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۴۵، السورث هانتینگتن جغرافی‌دان برجسته امریکائی تحقیقاتی در زمینه نقش عوامل جغرافیائی در وقوع انواع جرمها انجام می‌دهد.

در سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۴۲، مفاهیم اکولوژی شهری که در مکتب دانشگاه شیکاگو به وسیله رابرت پارک، ارنست برگس و رودریک مکزی پایه‌گذاری شده بود به وسیله دو محقق برجسته بنامهای کلیفوردشا<sup>۱</sup> و هنری مک‌کی<sup>۲</sup> بکار گرفته می‌شود. این محققین با استفاده از خصیصه‌های اکولوژیکی شهر، نتیجه بررسیهای خود را به این شرح منتشر می‌کنند:

- ۱- بالاترین میزان جرم و جنایت در محلاتی اتفاق می‌افتد که در آنها خانه‌های اجاره‌ای ارزان قیمت بیشتر می‌باشد.
- ۲- در محلاتی که میزان جرم و جنایت بیشتر است زنان محله نیز به انواع جرمها مرتکب می‌شوند.
- ۳- افراد مجرم بیشتر محلاتی را جهت سکونت خود انتخاب می‌کنند که مجرمین با سابقه در آنها زندگی می‌کنند.
- ۴- در محلاتی که دانش‌آموزان مدارس، از دبیرستان فرار

۱- C. Shaw.

۲- H. Mckay.

می‌کنند و وقت خود را در بیرون از مدرسه بیهوده تلف می‌نمایند رقم جرم و جنایت بالا می‌گیرد. در این قبیل محلات جرم و جنایت حتی میان گروه سنی میانسال نیز بیشتر است.

۵- جرم و جنایت از الگوهای اجتماعی و فیزیکی شهر تبعیت می‌کند به‌دیگر سخن، وجود نارسائی در تشکیلات پلیس و دادگستری و یا بخشهای رو به ویران شهری زمینه‌های مساعدی جهت ارتکاب به جرم فراهم می‌سازد<sup>۱</sup>.

در سال ۱۹۵۸، والتر میلر<sup>۲</sup> در زمینه جرم و جنایت در رابطه با شرایط اجتماعی چنین می‌نویسد: « جوانان طبقه سوم و قشر پائین جامعه، با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات پیشرفت، مرتکب جرم می‌شوند چرا که این طبقه در آرزوی یک زندگی خوب، دست‌یابی به امکانات طبقه دوم را غیرممکن می‌دانند و خواه ناخواه به سوی انواع جرمها کشانده می‌شوند<sup>۳</sup>.

در سال ۱۹۶۰، سدنی کاپلان<sup>۴</sup>، مقاله جالبی تحت عنوان «عوامل آب و هوایی و جنایت» در نشریه انجمن جغرافی دانان امریکا منتشر می‌کند سپس ویلس میلر<sup>۵</sup> به رابطه میان عامل باد و وقوع

۱- Gerald F. pyle. The Spatial Dynamics of Crime. PP. 16 – 17 .

۲- Walter Miller.

۳- The Spatial Dynamics of Crime. P, 12

۴- Sidney J. Kaplan. « Climatic Factors and Crime». Professional Geographer. 12, 1960 .

۵- Willis H. Miller,

جنایت معتقد می‌شود و تحقیقات خود را در سال ۱۹۶۸ در نشریه انجمن جغرافی‌دانان امریکا چاپ می‌کند .

در سال ۱۹۶۴ ، دونالد تافت<sup>۱</sup> در زمینه پراکنندگی جرم و جنایت به خصیصه های اجتماعی بیش از عوامل طبیعی تأکید می‌کند و وقوع جنایات بیشمار را در جامعه امریکا ناشی از عوامل زیر می‌داند :

۱- ارزشهای برتری جوئی در جامعه امریکا

۲- گرایش بیش از حد به عوامل مادی

۳- برخورد خرده فرهنگها

در سال ۱۹۵۸ ، ماروین ولف گنگ<sup>۲</sup> بعد از تحقیق در فیلادلفیای امریکا معتقد می‌شود که میزان آدم کشی در فصل گرم سال افزایش می‌یابد و در فصل سرد کمترین میزان قتل اتفاق می‌افتد .

در سال ۱۹۶۸ ، والتر لاندن<sup>۳</sup> با توجه به آمارهای جنائی سال ۱۹۶۳ ایالات متحده ، چنین اظهار نظر می‌کند « جرم و جنایت و رفتارهای خشن بر علیه افراد ، در ماههای گرم سال بیشتر می‌شود اما تجاوز به ثروت و دارائی خانواده ها در ماههای سرد افزایش می‌یابد . از طرفی در پاره‌ای از روزهای هفته میزان جرم و جنایت بالا می‌گیرد چنانکه اطلاعات بدست آمده از فیلادلفیای امریکا معلوم می‌دارد که آمارهای مربوط به تجاوز به عنف از روز جمعه شروع به بالا رفتن

۱- Donald taft.

۲- marvin Wolfgang.

۳- Walter A. lunden.

می‌کند و در نصف شب یکشنبه پایان می‌گیرد. تجاوز به عنف در روزهای شنبه به بالاترین مرز خود می‌رسد.

در زمینه وقوع جرم و جنایت در ساعات مختلف شبانه روز، والتر لاندن ما را با حقایق بیشتری آشنا می‌سازد. این محقق با بررسیهای خود به این نتیجه می‌رسد که اغلب جرمها و جنایتها بین ساعت ۱۸ تا ۲۴ اتفاق می‌افتد به عبارت دیگر، تاریکی هوا و ساعات غیرکار روزانه مساعدترین زمان جهت ارتکاب به جرم شناخته می‌شود. ماروین ولف گنگ معتقد است که تقریباً همه اعمال مربوط به تجاوز به عنف بین ساعات ۲۰ تا ۲ بعد از نصف شب صورت می‌گیرد.

در بالا گرفتن میزان خشونت در جامعه شهری، همواره رابطه‌ای میان قشر جامعه و نوع کار موجود بوده است. بدینسان که بالاترین میزان شرارتهای جوانی میان جوانان طبقه کارگر خیلی بیشتر از جوانان طبقه دوم می‌باشد. از طرفی اغلب جرمها و خشونتها به وسیله افرادی صورت می‌گیرد که در مشاغل بی‌ارزش جامعه بخدمت گرفته شده‌اند. میزان جرم و جنایت در رابطه با ساخت اجتماعی بخشی از جغرافیای جنایت را تشکیل می‌دهد و موارد زیر را قابل بررسی می‌داند:

- ۱- محلاتی که در آنها افراد مجرد بیشتر است رقم جرم و جنایت نیز بیشتر می‌باشد.

- ۲- در محلاتی که همسایگان آن از سالیان دراز همدیگر را می‌شناسند میزان جرم و جنایت پائین می‌باشد. برعکس عدم ارتباط

همسایگان بایکدیگر ، میزان برخورد ها و جرمها را بالا می برد .

۳- محلاتی که تراکم جمعیت در آنها بیشتر است میزان جرم و جنایت نیز بیشتر می باشد و این به ویژه در محلات عقب مانده شهری کاملاً صادق است . پاره ای بررسیها نیز که درباره تراکم حیوانات در در فضای محدود صورت گرفته این مسأله را بخوبی روشن می سازد . در فضای کم وسعت با تراکم حیوانات ، کجرویهای میان حیوانات ظاهر می شود از آن جمله است : تغییرات در رفتارهای مادری ، دگر گونی در کیفیت آمیزشهای جنسی و بالاخره شیوع همجنس گرایی .

۴- عده ای از جغرافی دانان به رابطه میان افزایش جرمها و کمیت اطاقهای سکونتی معتقد می باشند که در اکولوژی مسکن بخش مهمی را تشکیل می دهد . سکونت و زندگی تعداد زیادی از اعضای خانواده در یک اطاق ، سبب پیدایش عصبانیت ، حساسیت ، زودرنجی ، بی حوصله گی ، بیزاری و خستگی پدر و مادر و ایجاد محیط کسالت بار جهت کودکان خانواده هاست . همه این حالات زمینه های مساعدی جهت ارتکاب به انواع جرمها فراهم می سازد و در نتیجه بزرگترین رقم شرارت های جوانی میان همین طبقه صورت می گیرد .

از آنچه که در بالا گذشت می توان مفاهیم و هدفهای جغرافیای جنایت را به این شرح بیان داشت :

- ۱- در جغرافیای جنایت رابطه میان فضای زندگی و انواع جرمها مطالعه می شود .
- ۲- در جغرافیای جنایت رابطه میان عوامل محیط طبیعی و انواع ناسازگاریها بررسی می گردد .

- ۳- درجغرافیای جنایت وابستگی میان شرایط اقتصادی - اجتماعی مکان با جرم و جنایت مطالعه می شود .
- ۴- درجغرافیای جنایت حوزه های اجتماعی شهرها از نظر گاه جرم و جنایت مورد مطالعه قرار می گیرد.
- ۵- درجغرافیای جنسایت ، حوزه های طبیعی انواع جرمها روی نقشه ها تعیین می گردد<sup>۱</sup>.

---

۱- Keith D. Harries. The Geography of Crime and Justice. PP. 118 - 121'

### منابع

۱- Banfield C. Edward. The Unheavenly Cily revisited. Little, Brown and Company. 1974. PP' 179\_185.

۲- Harries D. Keith. The Geography of Grime and Justice. McGraw-Hill. 1974. PP. 119\_121.

۳- Kaplan J. Sidney « Climate Factors and Crime » Professional Geographer. 12. 1960

۴- Pyle F. Gerald. The Spatial Dynamics of Crime. The University of Chicago. Departmet of Geography No . 159. 1974. PP. 12,19 \_ 17,28 \_ 29. 36.

۵ - Smith M. David. The Geography of Social well - Being. Mc Graw - Hill. 1973. PP. 39 - 44